



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد حقوق عمومی

عنوان پایان نامه:

## **بررسی جایگاه شریعت در نظام قانون گذاری ایران، مصر و مالزی**

استاد راهنما:

**دکتر هدی غفاری**

استاد مشاور:

**دکتر محمد ربیعی**

دانشجو:

**سعیده برومند**

مهر ۱۳۹۴



تقدیم بہ:

ماحصل آموختہ ہائیم را تقدیم کسانمی می‌کنم کہ مہر آسمانی شان، زندگی ام را فروغ و روشنی بخشیدہ است بہ روان پاک مادرم کہ عشق و یادش و سگوہ نامش ہموارہ آذین بخش خاطر م خواہد ماند بہ استوارترین تکیہ گاہم، پدر کہ سایہ لطفش بر سرم گستردہ است بہ ہمسرم، دوست، ہمراہ و یاورم و پسر م امیر سالار، امید زندگانی ام.

پاس از:

پاس خدایی را که، هستی مان، نخبید و به طریق علم و دانش، رهنمونان شد. مراتب تقدیر و پاس خود را تقدیم اساتید ارجمند، سرکار خانم دکتر غفاری که صبورانه مراد روند تکمیل و بهبود این پژوهش را بهمانی کرده اند و نیز جناب آقای دکتر ربیعی که سمت اساتذ مشاور بنده را داشتند و از مشاورت ایشان بهره مند گشته ام و جناب آقای دکتر وکیلان که زحمت داورسی این پایان نامه را تقبل فرمودند می نمایم و تا ابد پاسدار حرمت و ارجمندیشان خواهم بود.

## چکیده:

اصولاً لحاظ نمودن شریعت در نظام قانون‌گذاری هر کشور، تابعی است از شرایط اجتماعی، سیاسی و حقوقی آن کشور. برخی شریعت را به عنوان مبنای قانون‌گذاری و برخی آن را یکی از منابع قانون‌گذاری تلقی می‌نمایند. کشوری که شریعت را مبنای قانون‌گذاری قرار می‌دهد قطعاً جایگاه مهمی را برای آن در نظر گرفته و کلیه قوانینش را اعم از اساسی و عادی، با شریعت مطابقت می‌دهد در غیر این صورت هیچ قانونی مصوب نخواهد شد.

اما کشورهایی که شریعت را منبع قانون‌گذاری خود در نظر گرفته‌اند، از آن به عنوان بخشی از قانون‌گذاری استفاده می‌نمایند و بخشی از قانون‌گذاری نیز بر سایر منابع استوار می‌باشد. در ایران مبنای قانون‌گذاری شریعت است و هر قانونی که مصوب می‌شود باید منطبق با شریعت بوده یا مغایرتی با آن نداشته باشد و جهت اجرایی کردن این مهم نهاد شورای نگهبان در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. اما در دو کشور مصر و مالزی، از شریعت به عنوان یکی از منابع قانون‌گذاری استفاده می‌نمایند و لزومی به مطابقت سایر قوانین با شریعت نمی‌باشد. در این تحقیق مقایسه تطبیقی جایگاه شریعت در قانون‌گذاری سه کشور فوق از حیث این که کدام یک نقش و اهمیت بیشتری را برای شریعت قائل شده‌اند، می‌پردازم.

**واژگان کلیدی:** نظام حقوقی، شریعت، مبنا، منبع، مغایرت، انطباق

## فهرست مطالب

### عنوان

### صفحه

مقدمه..... ۱

## بخش اول - جایگاه شریعت در نظام حقوقی ایران

فصل اول - مفاهیم - مبانی و پیشینه‌ی تاریخی شریعت..... ۵

گفتار اول - مفهوم شریعت..... ۵

مبحث اول - تعریف لغوی و اصطلاحی شریعت..... ۵

گفتار دوم - پیشینه حاکمیت شرع در نظام حقوقی ایران..... ۷

مبحث اول - جایگاه حاکمیت شرع در عصر صفویه..... ۷

بند ۱ - تلفیق تصوف و تشیع..... ۸

مبحث دوم - جایگاه حاکمیت شرع در عصر قاجار..... ۹

بند ۱ - قبل از مشروطیت..... ۱۰

بند ۲ - بعد از مشروطیت..... ۱۱

۱-۲ حاکمیت شرع و حاکمیت قانون بعد از مشروطه..... ۱۴

۲-۲ ارزیابی جایگاه حاکمیت شرع در قانون اساسی مشروطه..... ۱۸

مبحث سوم - جایگاه حاکمیت شرع در عصر پهلوی..... ۱۹

گفتار سوم - شریعت به عنوان مبنا و منبع قانون در نظام حقوقی ایران..... ۲۲

مبحث اول - مبنا و منبع قانون در رویکرد اسلامی..... ۲۲

بند ۱ - مبنای قانون با رویکرد اسلامی..... ۲۲

مبحث دوم - مبنای قانونگذاری در نظام حقوقی ایران..... ۲۳

بند ۱ - قبل از انقلاب..... ۲۳

بند ۲ - بعد از انقلاب ۱۳۵۷..... ۲۴

۱-۲ منابع حقوق در نظام قانونگذاری ایران..... ۲۴

۱-۱-۲ مبنای قانونگذاری در قانون اساسی ایران..... ۲۵

## فهرست مطالب

### عنوان

### صفحه

۲۶	فصل دوم- حاکمیت شریعت در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران.....	۲۶
۲۶	گفتار اول- شریعت در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۲۶
۲۷	مبحث اول- اصل دوم ( پایه های نظام جمهوری اسلامی ایران).....	۲۷
۳۳	مبحث دوم- اصل سوم ( اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران).....	۳۳
۳۷	مبحث سوم- اصل چهارم (انطباق قوانین با موازین اسلامی).....	۳۷
۴۷	بند ۱- الزامات حقوقی اصل ۴.....	۴۷
۵۰	مبحث چهارم- اصل دوازدهم (دین رسمی ایران).....	۵۰
۵۱	مبحث پنجم- اصول ۷۲، ۹۱، ۹۴، ۹۶ (از باب عدم مغایرت قوانین با شریعت).....	۵۱
۵۸	مبحث ششم- اصل ۱۶۷ ( منابع و فتاوی معتبر).....	۵۸
۵۹	گفتار دوم- قلمرو قانونگذاری مجلس شورای اسلامی.....	۵۹
۵۹	مبحث اول- نظریه ها در خصوص قلمرو قانون گذاری مجلس از نظر شرعی.....	۵۹
۵۹	بند ۱- نظریه قوه برنامه ریزی (حق کشف قوانین و نه وضع قوانین).....	۵۹
۶۰	بند ۲- نظریه منطقه الفراغ.....	۶۰
۶۱	بند ۳- نظریه ولایت مطلقه فقیه.....	۶۱
۶۱	مبحث دوم- نقش مجلس در اجرای سیاست های کلی نظام.....	۶۱
۶۵	گفتار سوم- نهادهای ناظر بر اجرای شریعت در مسیر قانون گذاری.....	۶۵
۶۵	مبحث اول- نقش شورای نگهبان در پاسداری از اجرای شریعت.....	۶۵
۶۶	بند ۱- وظایف و اختیارات شورای نگهبان.....	۶۶
۶۷	۱-۱ نظارت بر عدم مغایرت مصوبات مجلس با احکام اسلام ( شریعت).....	۶۷
۶۸	۲-۱ نظارت بر عدم مغایرت مصوبات مجلس با قانون اساسی.....	۶۸
۶۹	بند ۲- دامنه شمول نظارت شورای نگهبان بر قوانین و مقررات.....	۶۹

بخش دوم: جایگاه شریعت در نظام حقوقی کشورهای مصر و مالزی

فصل اول: نظام حقوقی کشور مصر.....	۷۲
گفتار اول- جایگاه شریعت در نظام حقوقی کشور مصر قبل از انقلاب.....	۷۳
مبحث اول- نقش اخوان المسلمین در حمایت از اجرای شریعت.....	۷۶
مبحث دوم- دیوان عالی قانون اساسی مصر، مرجع نظارت بر اسلامی بودن قوانین.....	۷۷
بند ۱- برداشت از مفهوم شریعت در آرای دیوان عالی قانون اساسی مصر ( اصل ۲).....	۷۹
بند ۲- شیوه نظارت دیوان بر انطباق قوانین با شریعت.....	۸۱
۱-۲ قضیه نفقه طفل سال ۱۹۹۴.....	۸۵
۲-۲ قضیه حجاب سال ۱۹۹۶.....	۸۷
گفتار دوم- جایگاه شریعت در نظام حقوقی مصر بعد از انقلاب ۲۰۱۱ (انقلاب اول).....	۹۲
مبحث اول- عوامل مؤثر در انقلاب.....	۹۲
مبحث دوم- جایگاه اسلام و شریعت در قانون اساسی ۲۰۱۳ (انقلاب دوم).....	۹۵
بند ۱- مبانی قانون اساسی ۲۰۱۳.....	۹۷
بند ۲- مفاد قانون اساسی مصر ۲۰۱۳.....	۹۸
فصل دوم- نظام حقوقی کشور مالزی.....	۱۰۲
گفتار اول- جایگاه شریعت در نظام حقوقی کشور مالزی.....	۱۰۲
مبحث اول- آغاز ورود اسلام به مالزی.....	۱۰۲
مبحث دوم - اسلامگرایی در دوره معاصر.....	۱۰۶
گفتار دوم- قوانین در نظام حقوقی کشور مالزی.....	۱۱۰
مبحث اول- قانون اساسی کشور مالزی.....	۱۱۰
بند ۱- جایگاه شریعت در اصول قانون اساسی.....	۱۱۱



## فهرست مطالب

### عنوان

### صفحه

مبحث دوم- انواع قانون در نظام حقوقی کشور مالزی.....	۱۱۸
بند ۱- قوانین فدرال و ایالتی.....	۱۱۸
بند ۲- قوانین کامن لا (Common law).....	۱۱۹
بند ۳- قوانین اسلامی.....	۱۲۰
بند ۴- منابع قانون گذار براساس شریعت در کشور مالزی.....	۱۲۱
بند ۵- جایگاه شریعت در حقوق خانواده و احوال شخصیه در کشور مالزی.....	۱۲۲
گفتار سوم- جایگاه شریعت در نظام قضایی کشور مالزی.....	۱۲۶
مبحث اول- تداخل در حوزه قضایی دادگاه شریعت و مدنی.....	۱۲۷
مبحث دوم- ویژگی‌های قضات از نگاه شریعت.....	۱۲۸
نتیجه‌گیری.....	۱۳۰
منابع.....	۱۳۵
Abstract.....	۱۴۱

### ۱- بیان مسأله

باتوجه به پدیدار شدن بحث بیداری اسلامی در بسیاری از کشورهای جهان اسلام و درخواست ملتها مبنی بر حضور شریعت در قوانین اساسی و اجرای آن در نظام حقوقی‌شان، با انتخاب سه کشور ایران، مصر و مالزی به عنوان سه کشور مسلمان برآنیم که به مقایسه تطبیقی جایگاه شریعت در نظام های حقوقی‌شان بپردازیم.

از آنجایی که سه کشور مسلمان، هر کدام پیرو یکی از مذاهب اسلام هستند (شیعه، حنفی، شافعی)، و اسلام دین رسمی آنها تلقی می‌گردد و هر کدام به نوعی اسلام را در نظام حقوقی خود مورد استفاده قرار می‌دهند و نیز به لحاظ آن که شرایط اجتماعی، سیاسی و حکومتی متفاوتی بر هر یک از این سه کشور حاکم می‌باشد، این سوال پیش می‌آید که آیا کدام یک برای شریعت و حضور آن در قانون‌گذاری، نقش و اهمیت بیشتری را قائل می‌باشند.

با عنایت به انقلاب اخیر مصر و بازنگری در در قانون اساسی این کشور و تحولات اخیر که به برکناری مرسی و عزل او انجامید و تدوین قانون اساسی جدید را به دنبال داشت و نیز با توجه به رسمیت دین اسلام در قانون اساسی مالزی، چنانچه در اصل ۳ این قانون بیان می‌دارد که اسلام مذهب رسمی فدراسیون می‌باشد و سایر مذاهب می‌توانند در صلح، در فدراسیون به مراسم مذهبی خود بپردازند لذا اسلام را به عنوان دین رسمی تلقی می‌نمایند. از دیگر سوءنظر به جایگاه دین اسلام در نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران و با اشاره به اصول ۱ و ۲ و ۴ و ۷۲ و ذیل اصل ۹۵ و... قانون اساسی می‌باید براساس موازین اسلامی و احکام مذهبی استوار باشد و مغایرتی با آنان نداشته باشد، لذا با توجه به حاکمیت شریعت در این سه نظام حقوقی به دنبال تطبیق این سه نظام از نقطه نظر اهمیت نقش شریعت می‌باشیم.

## ۲- اهداف تحقیق

اصلی‌ترین هدف این تحقیق آن است که دریابیم در نظام قانون‌گذاری کدام یک از سه کشور مسلمانان ایران، مصر و مالزی که دارای سیستم‌های حکومتی متفاوت می‌باشند، برای شریعت اسلام اهمیت بیشتری قایل شده‌اند.

## ۳- نوع و روش تحقیق

روش تحقیق در این پایان‌نامه توصیفی، تحلیلی، تطبیقی می‌باشد و روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای است.

## ۴- چارچوب نظری تحقیق

مطالعه نظام‌های حقوقی و سیاسی سه کشور ایران، مصر و مالزی و نیز مطالعه قوانین اساسی سه کشور مورد نظر به لحاظ تطبیقی از حیث جایگاه شریعت در اصول قوانین ذکر شده و بررسی درجه پای‌بندی هر یک از این کشورها به شریعت و موازین اسلامی در قانون‌گذاری از بعد تدوین و اجرا.

## ۵- موانع تحقیق

گرچه در خصوص کشور ایران، منابع بسیاری موجود بود، اما در مورد کشور مصر به دلیل عدم ثبات سیاسی و اجتماعی، دسترسی به منابع بروز و موثق با مشکل همراه بود و درخصوص کشور مالزی نیز به غیر از منابعی که توسط برخی از اساتید محترم پژوهش و ترجمه شده بود، امکان دسترسی به منابع دیگری که موضوع مورد تحقیق را به لحاظ حقوقی پوشش بدهند، وجود نداشت.

## ۶- ادبیات و پیشینه تحقیق

گرچه در خصوص جایگاه حاکمیت شریعت در خصوص کشورهای مورد نظر این تحقیق خصوصاً ایران، کارهایی صورت پذیرفته است اما به لحاظ تطبیقی بین سه کشور ایران در مقایسه با کشورهای مصر و مالزی تاکنون پژوهشی صورت نپذیرفته است.

## ۷- سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق

**سؤال اصلی:** شریعت اسلامی در نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با کشورهای مصر و

مالزی از چه جایگاهی برخوردار است؟

**سؤال فرعی ۱:** آیا در نظام‌های حقوقی مصر و مالزی، تلقی‌های متفاوتی از مفهوم شریعت وجود دارد؟

**سؤال فرعی ۲:** ضمانت اجرای اعمال شریعت در نظام‌های حقوقی این سه کشور چگونه است؟

**فرضیه اصلی:** شریعت اسلامی در ایران هم مبنا و هم منبع قانون‌گذاری می‌باشد و همه قوانین باید با اصول

شریعت مطابقت داده شوند و قوانینی که از شریعت نشأت نمی‌گیرند نیز نباید مخالفت یا مغایرتی با آن

داشته باشد اما در کشورهای مصر و مالزی، شریعت به عنوان یکی از منابع قانون‌گذاری تلقی می‌شود.

**فرضیه فرعی ۱:** با عنایت به تلقی متفاوت اهل سنت از شریعت و ورود عنصر مصلحت در رویه قضایی،

برداشت از مفهوم شریعت در این دو نظام حقوقی متفاوت است.

**فرضیه فرعی ۲:** در ایران مرجع انطباق قوانین با شریعت شورای نگهبان است و در مصر دادگاه عالی قانون

اساسی مرجع صیانت از قانون اساسی و تطبیق قوانین با شریعت است ولی در مالزی چنین مرجعی وجود

ندارد.

## تعریف مفاهیم و واژگان کلیدی تحقیق

**نظام حقوقی:** مجموعه‌ای از ارگان‌ها، مقامات و تشکیلات صالح برای قانون‌گذاری که به رسمیت شناخته

شده‌اند.

**قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:** عالی‌ترین سند حقوقی در کشور ایران و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر.

**شریعت:** در اصطلاح قرآن به معنی طریق می‌باشد و معنی دیگر آن احکام اسلامی و شرعیات است.

**مبنای حقوق:** مقصود از مبنای حقوق، پایه و دلیل نیرویی است که قواعد در جامعه دارند.

**منبع حقوق:** مقصود از منابع حقوق، سرچشمه‌های اصیل ظهور قواعد است؛ محلی که اعتبار آن زاده جوهر

خویش است.

**مغایرت:** به معنی مخالفت و غیر هم بودن می‌باشد.

**انطباق:** به معنی برابر و یکسان بودن است.

## بخش اول

# جایگاه شریعت در نظام حقوقی ایران

## فصل اول - مفاهیم - مبانی و پیشینه‌ی تاریخی شریعت

پیشینه حاکمیت شریعت به دوران ظهور اسلام بازمی‌گردد. پیامبر با دریافت شریعت آن را ابلاغ نموده و احکام را در میان مردم اجرا می‌کرد. در صدر اسلام قانون‌گذاری به معنای امروزی کلمه وجود نداشته است و قوانین جامعه اسلامی همان احکامی بود که پیامبر از طریق کتاب در میان مردم اجرا می‌نمود که شاید نمونه‌ای بارز از حکومت بر مبنای شریعت به شمار بیاید و موارد مشابه آن در طول تاریخ بعد از پیامبر، در برخی از حکومت‌های اسلامی مشهود بوده است.

شریعت دارای معانی و تعاریف مختلفی از نظر لغوی، اصطلاحی و حقوقی می‌باشد. مفهوم حاکمیت شرع که در گذر زمان دستخوش تعاریف و برداشتهای مضیق و موسع فراوانی قرار گرفته است. از آنجا که این فصل به نظام قانون‌گذاری ایران اختصاص یافته، علاوه بر توضیح مختصری در خصوص معانی مختلف شریعت، حاکمیت شرع را در ادوار مختلف نظام حقوقی ایران از بعد از صفویه به عنوان اولین حکومت شیعی تا به امروز مورد بررسی قرار داده و نیز در خصوص منابع و مبانی قانون‌گذاری (قبل و بعد از انقلاب) شرح مختصری آورده شده است.

### گفتار اول - مفهوم شریعت

در ذیل این گفتار به توضیح مفاهیم شریعت از نظر لغوی، اصطلاحی و حقوقی خواهیم پرداخت.

#### مبحث اول - تعریف لغوی و اصطلاحی شریعت

شریعت در تعریف متداول: مجموعه احکام شرعی و علمی است که در کتاب و سنت آمده است. درک و دریافت علما از این مجموعه احکام را نیز «فقه» می‌نامند.

می‌توان شریعت را بعد حقوقی اسلام دانست. هرچند تفاوت‌هایی هم میان شریعت و حقوق وضعی وجود دارد. از جمله این که حقوق (قانون) روابط میان افراد و گروه‌ها را با یکدیگر سامان می‌بخشد، در حالی که شریعت افزون بر این، رابطه انسان را با خدا و حتی با خودش را هم تنظیم می‌کند.<sup>۱</sup>

شریعت در لغت: جای در آمدن آب و کناره آبی که خلاق از آنجا آب می‌خورند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه <http://www.hawzah.net>

<sup>۲</sup> لغت‌نامه دهخدا

شریعت در اصطلاح: به معنای قانونی است که پیغمبران از جانب خداوند برای مردم آورده‌اند<sup>۱</sup>

شریعت در اصطلاح قرآنی: به معنای طریق می‌باشد.<sup>۲</sup>

شریعت در معنای خاص: به آنچه که خداوند برای بندگانش قرار داده و بر آنان فرض نموده است مثل نماز،

زکات، روزه، حج و امثال آن‌ها.<sup>۳</sup>

تعریف دیگری از شریعت: به دینی گفته می‌شود که از طرف خدای متعال برای بندگانش تشریح شده باشد.<sup>۴</sup>

شریعت در اصطلاح حقوقی: مقصود از شریعت که در اصطلاحات حقوقی استعمال می‌شود، مجموعه قواعدی

است که سلطه و حکومت به منظور حفظ انتظام اجتماع بشری به پیروی کردن آن قواعد امر نماید.

مانند شریعت حمورابیه، شریعت اسلامی و... بنابراین تعریف شریعت معادل است با کلمه (Loi)<sup>۵</sup>

اصولاً شریعت واژه‌ای است که معنای الهی دارد و می‌تواند به دین مسلمانان ارجاع داده شود چرا که

شریعت دین خداست. شریعت حتی در زمانی که جزئیات قانون نامعلوم و ناملموس باشد به معنای قانون

خداست. در یک معنای خاص و محدود می‌توان شریعت را به قانون خدا به عنوان قانونی ایده‌آل که به نوعی

در وحی جای داده شده تعبیر کرد.<sup>۶</sup> بر این اساس مسلمانان عمدتاً شریعت را که از جانب خداوند و توسط

فرستاده او به انسان‌ها رسیده است، قانون بنیادین می‌دانند و گاه نیز به عرصه اعمال حاکمیت شرع در حوزه

تقیین، به دیدگاه صلاحیت قانون‌گذاری الهی محض تعبیر شده است.<sup>۷</sup>

برخی معتقدند شریعت، همه شعبه‌های حقوق (داخلی و بین‌المللی، عمومی، خصوصی، جزا و عرفی) و

حتی کتاب‌های مذهبی و اجتماعی، امور عبادی، مناسک شرعی و احکام مستحبات را دربر می‌گیرد.<sup>۸</sup>

<sup>۱</sup> لغت‌نامه دهخدا، منبع پیشین

<sup>۲</sup> دایره‌المعارف اسلامی طهور

<sup>۳</sup> طریحی، فخرالدین، مجمع‌البرین، نشر الثقافة الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ص ۵۰۰، زبیدی، محمد مرتعی، تاج‌العروس، بیروت مکتبه‌الحیات، ج ۵، ص ۳۹۴

<sup>۴</sup> جوهری، صحاح، ج ۳، ص ۱۲۳۶

<sup>۵</sup> جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوقی، گنج دانش، ۱۳۸۸

Loi: اصل قانون (Loi) از Canon است که عبارت می‌باشد از مقررات موضوعه، توسط مقامات کلیسا.

<sup>۶</sup> کالندر، نورمن، ۱۹۹۶، صص ۸۰ و ۸۱

<sup>۷</sup> فقیهی، سیده فاطمه، «پایان‌نامه بررسی حق قانون‌گذاری در قوانین مشروطیت»، دانشگاه تهران، پردیس قم، ۱۳۸۷

<sup>۸</sup> اندرسون، نورمن، کلیات حقوقی جهان اسلام، ترجمه فخرالدین اصغری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی

## گفتار دوم - پیشینه حاکمیت شرع در نظام حقوقی ایران

از آنجا که حکومت صفویه به عنوان اولین حکومت شیعه در ایران بر سر کار آمد و اقدام به اجرای احکام شریعت در شکل انسجام یافته تری در سطح جامعه نمود، لذا تاریخچه حاکمیت شریعت در نظام قانونگذاری ایران را از این دوران به بعد مورد بررسی قرار می دهیم.

### مبحث اول - جایگاه حاکمیت شرع در عصر صفویه

ساختار حکومتی صفویه عبارت بود از سازمان‌ها و نهادهایی که سلطنت و قدرت سیاسی از طریق آنان در گستره جامعه به اعمال قدرت می‌پرداخت. نظام حکومتی و دیوان‌سالاری دربار، ایالات و سپاه، کاملاً در احاطه قدرت زمامداران صفوی قرار گرفته بود. صفویه در حمایت از قوانین شریعت و برقراری مناسبات نزدیک با عالمان دینی و شعاعر مذهبی، سنت تبری و تولی، مراسم سوگواری و اعیاد دینی و... تلاش بسیار نمودند که موجب تحکیم هویت سیاسی ایران آن دوران را فراهم سازند.<sup>۱</sup>

همکاری عالمان شیعه با حاکمان صفویه در جهت مشروعیت دادن یا تأکید آنان نبود، بلکه با توجه به مصالح اجتماعی و دینی صورت می‌گرفت که فواید بسیار و تبعات مثبت فراوانی برای مذهب تشیع جامعه و مردم داشت. رونق دانش‌اندوزی با استفاده از امکانات سلطنت و مصونیت علما و سادات، زیارتگاه‌ها و ترویج احکام شرعی در میان جامعه از ایده‌های علمای شیعه در عصر صفوی بود.

در حقیقت هدف آنان مشروعیت دادن به حکام نبوده بلکه ترویج احکام دین و علوم اسلامی بود. این همکاری‌ها فرصت تاریخی قابل ملاحظه و پایگاه امن و مطمئن برای تشیع در آن روزگار بود. علامه مجلسی از آن دسته از فقهای شیعه بود که در همکاری با خلفای جور، با دید واقع‌گرایانه نسبت به مسائل و مشکلات سیاسی جهان اسلام و حکومت پادشاهان، درصدد اصلاح وضع موجود بودند. به این صورت که از راه معاشرت و هماهنگی با آنان و بهره‌گیری از قدرت ظاهری آنان، در هدایت و ارشاد جامعه و تحقق نسبی عدالت اجتماعی می‌کوشیدند.

<sup>۱</sup> بهرام‌نژاد، محسن، صفویه در گستره تاریخ ایران زمین، انتشارات ستوده، ۱۳۸۳، ص ۹۹



بنابراین همکاری علمای دوره صفویه با پادشاهان نه به طمع مقام، بلکه برای حفظ دولت جدیدالتأسیس شیعه بوده است. ضرورت این همکاری با توجه به این که شیعه در طول تاریخ اغلب در انزوای سیاسی قرار داشت، بیش از پیش معلوم می‌شود. البته روابط عالمان با پادشاهان تنها در حدی بود که فقها را قادر می‌ساخت با تبلیغ مذهب شیعه، گسترش حوزه‌های دینی و... به توسعه و تحکیم مبانی شیعه بپردازند.

#### بند ۱- تلفیق تصوف و تشیع

مکتب صوفیه دردل اهل سنت ایجاد شد ولی بعدها به دلایل نظری با اهل سنت فاصله گرفت. محور تصوف از قرن ۲ تا ۵ فقط زهد و عبادت عاشقانه و ساده‌زیستی است و وقتی فرهنگ قوی شد شروع به تمدن‌زدایی می‌کند و در قرن ۵ وارد جامعه می‌شود، خانقاه می‌سازد و سماع و... انجام می‌دهد در اینجا به لحاظ عملی هم اهل سنت جدا می‌شود. چون نیاز به فقه جدیدی را احساس می‌کند که قرن ۷ اوج این قضیه است. تصوف الگوی تکامل خود را در تشیع می‌بیند. در قرن ۸ سیدحیدر آملی که از صوفیان شیعه است، عرفان شیعه را تأسیس می‌کند. او نیز همه اندیشه تصوف را نمی‌آورد بعد از او در قرن ۹ همه صوفی‌ها شیعه هستند؛ در این مرحله آغاز تشکیل صوفیه بر سه اساس شریعت، طریقت را عمل به مستحبات و ترک مکروهات و حقیقت را روح این دو معرفی می‌کند. در قرن ۸، خانقاه‌ها از بین رفت و تخریب شد، جامعه هم این را پذیرفته بود. در نهایت تصوف در تشیع هضم شد و چیزی از تصوف نماند.<sup>۱</sup>

مبنای اطاعت قزلباشان از شاه اسماعیل، اعتقاد آنان به او به عنوان رئیس خانقاه اردبیل بود و هیچگونه توجیه طایفه‌ای و فقهی به معنای مرسوم آن وجود نداشت. بنابراین در مرحله شکل‌گیری این دولت فقها نقشی نداشتند. در سال‌های نخست نیز، فقیه قابل ملاحظه‌ای وجود نداشت و کتاب فقهی مهمی نیز که مبنای اعمال شرعی باشد نیز نبود. علمای ایرانی که تا این زمان به شاه اسماعیل کمک می‌کردند، بیشتر حکیم و فیلسوف بودند تا فقیه. بنابراین از اساس و فرهنگ تشیع اطلاع چندانی نداشتند.<sup>۲</sup>

لذا با حضور تدریجی فقها در حکومت صفوی و همکاری آنان با این دولت و اداره امور مذهبی، نقش آنان در حکومت پررنگ‌تر شد بیشتر فقهای شیعه‌ای این دوران که متون فقهی کهن و نیز سیره فقهای

<sup>۱</sup> مؤسسه مطالعات و تحقیقات اسلامی فتوح، «مجموعه مقالات تصوف و سیاست»، ۱۳۹۱

<sup>۲</sup> جعفریان، رسول، تعامل علما و پادشاهان در دوره صفوی، جلد ۲، ۱۳۷۹، از صص ۱۰۹-۱۲۰

پیشین را در اختیار داشتند از نظر حمایت از سلطان عادل و پذیرفتن مذهب در حکومت چنین سلطانی تردید نداشتند که از جمله آنان می‌توان به زین‌الدین علی‌بن‌احمد (شهید ثانی)، محقق کرکی (محمد ثانی) و... اشاره کرد.

شاه طهماسب او را متمکن پادشاهی و سلطنت کرد و به او گفت: «تو شایسته‌تر به پادشاهی هستی زیرا تو نایب از طرف امام هستی و من تنها یکی از عمال تو هستم که به اوامر و نواهی تو عمل می‌کنم.»<sup>۱</sup>

دو مسئله به لحاظ تاریخی در این دوره وجود داشت که سبب شد فقهای شیعه به طور جدی‌تری وارد حکومت صفوی شدند. اول نیاز حکومت و دیگری ظهور محقق که وی از فقهای بزرگ تاریخ تشیع بوده است.<sup>۲</sup>

عمده تلاش کرکی آن بود که نقش جامع‌الشرایط را در این دوره تثبیت کرده و این کار را از طریق نظریه ولایت فقیه که ریشه استواری در فقه شیعه داشت به انجام رساند.<sup>۳</sup>

در واقع تأسیس دولت صفوی، تکوین نظریه‌های سیاسی نزد فقها و الزام ایشان برای تزریق احکام شریعت به امور سیاسی، دو پیامد کوتاه‌مدت داشت. یکی دگرگونی و تجدید فقه شیعه و دیگر وضع قوانین شرعی برای حکومت، این تحول در برخی احکام اجتماعی اسلام از قبیل نماز جمعه، خراج جواز پذیرش هدیه از سوی حاکم و... کاملاً محسوس است. اهمیت مسائل فوق از این باب است که موضوعاتی از قبیل اجرای حدود شرعی، قضاوت، جهاد، امور حسبیه، اخذ خراج، نماز جمعه و... از وظایف حاکم اسلامی هستند.<sup>۴</sup>

### مبحث دوم- جایگاه حاکمیت شرع در عصر قاجار

با تأسیس قاجاریه تحولی در موقعیت سیاسی و اجتماعی علما و روحانیون شیعه ایران در جهت افزایش نسبی اعتبار و نفوذ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنان در جامعه به وجود آمد، هر چند بخشی از نفوذ اجتماعی و موقعیت روحانیت شیعه در ایران عصر قاجاریه تداوم موقعیت و نفوذ سیاسی اجتماعی به وجود آمده در آستانه تشکیل حکومت قاجاریه و نخستین مراحل تکوین و پیدایش این سلسله به ویژه در مقایسه با موقعیت متزلزل علما در سال‌های فترت میان انقراض سلسله شیعی مذهب صفویه تا آمدن حکومت قاجاریه

<sup>۱</sup> موسوی خوانساری، میرزا محمدباقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، ۱۳۹۱، قم، ص ۳۶۱

<sup>۲</sup> جعفریان، رسول، منبع پیشین، صص ۱۲۰-۱۲۱

<sup>۳</sup> نجفی، سیر تاریخی نظریه ولایت فقیه، ج ۲۱، ۱۹۸۸، م، صص ۳۹۶-۳۹۹

<sup>۴</sup> طباطبایی فر، سایت اینترنتی [daftarmags.ir](http://daftarmags.ir)

عامل مهمی بود که به افزایش نسبی نفوذ روحانیت در جامعه ایران انجامید. خاندان قاجار برای کسب مشروعیت دینی و مقبولیت اجتماعی در جامعه مذهبی ایران به جلب حمایت علما نیازمند بود. نیاز سلطنت به برخورداری از حمایت روحانیت به ویژه در هنگام جنگ‌های ایران و روسیه افزایش یافت. نیاز نهاد سلطنت به برخورداری از حمایت علما یکی از علل مهمی بود که افزایش اعتبار موقعیت علما را به دنبال داشت. در ادامه جایگاه حاکمیت شرع در عصر قاجار را در دوره قبل و بعد از مشروطیت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## بند ۱- قبل از مشروطیت

پیروزی علمای اصولی به رهبری آیت‌الله محمدباقر بهبهانی برای اخباریان و پایان سیطره علمای اخباری که با انکار تقسیم امت اسلامی به دو بخش مجتهد و مقلد، وظایف و اختیارات عملی علما را محدود می‌کردند، زمینه مناسبی را برای افزایش نفوذ اجتماعی علمای شیعی اصولی در میان توده مذهبی جامعه فراهم ساخت.

مقبولیت عمومی اصل «نیابت عامه فقها» و پدید آمدن نهاد و مرجع تقلید که تمرکز و ساماندهی مالی و سیاسی علمای دینی را به دنبال داشت، بستر مناسبی را برای علمای اصولی فراهم ساخت تا بتواند با انتقال بخشی از وظایف و اختیارات امام معصوم (ع) به فقها، بخشی از اطاعت مؤمنان از امام معصوم را به سود اطاعت مردم از مجتهدان به کار گیرند. تسلط علمای دینی ایران بر بسیاری از مراکز و مسائل حقوقی، قضایی، عهود و عقود زناشویی، وصایا و معاملات، بهره‌مندی از امتیازات، سیاست حمایت از مردم در برابر ظلم و ستم کارگزاران حکومتی، مقابله با نفوذ و دستکاری‌های سلطه‌جویانه قدرت‌های خارجی در ایران و برخورداری از منابع مالی و درآمدهای ناشی از سهم امام، تولیت‌مداری مدارس و مساجد و اوقاف، سرپرستی اموال مجهول، دارایی‌های ایتم و نذورات شرعی مردم، برخی از زمینه‌های مهمی بود که علم و گسترش مبانی نفوذ فکری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی علما در جامعه را به دنبال داشت. علما و روحانیون غالباً از احترام فراوان در میان مردم برخوردار بودند. به نوشته مادام دیولافوا: «علمای روحانی و پیشوایان مذهبی که عموماً آن‌ها را مجتهد می‌گویند همیشه در نزد ایرانیان یک مقام و منزلت بسیار عالی داشته‌اند.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دیولافوا، ژان، سفرنامه، انتشارات دنیای کتاب، مترجم همایون فره‌وشی، ص ۵۹

میان احترام و نفوذ فراوان علما در میان توده اجتماعی، با تلاش علما برای حمایت از توده مردم در برابر ظلم و ستم کارگزاران حکومتی پیوند نزدیکی وجود داشت. سرجان ملکم در شرح مشاهدات خود در عصر قاجاریه چنین نوشته است: «علمای ملت که عبارت از قضات و مجتهدین است به حدی محترمند که از سلاطین، کمتر بیم دارند و هر وقت که واقعه‌ای که مخالف شریعت و عدالت است حادث شود، خلق به ایشان رجوع کنند.»<sup>۱</sup>

بیم و نگرانی علما از نفوذ و قدرت‌گیری مخالفان مذهبی مانند اخباریان، صفویان، پاپی‌ها و شیخ‌ها، داعیه شریعت‌طلبی سلطنت برای ترویج شریعت و اعتقاد آنان به نقش سلطنت به عنوان تنها مرجع قدرت دنیوی برای دفاع از سرزمین اسلامی در برابر دستیاری‌های سلطه‌جویانه قدرت‌های خارجی به ویژه روسیه که کفار محسوب می‌شدند، از مهمترین عللی بود که به همکاری بسیاری از علمای دینی عصر قاجاریه یا نهاد سلطنت انجامید.

هرچند برخی از آن گروه علمایی که معتقدند به همکاری با حکومت بودند، در مواردی از اعتبار و نفوذ خویش در دربار به سود جلوگیری از ظلم و ستم کارگزاران محلی حکومت به مردم استفاده می‌کردند. اما خواه‌ناخواه هر نوع همکاری آنان با حکومت استبدادی در واقع به سیاست سلاطین برای کسب مشروعیت دینی و توجیه حکومت آنان خدمت می‌کرد. حکومت قاجار با بهره‌گیری از نفوذ علما برای کسب مشروعیت دینی و مقبولیت اجتماعی فرد استفاده می‌نمود، اما از سویی در رویارویی با علمای دینی با یک چالش اساسی روبه‌رو بود و نمی‌توانست در برابر نفوذ اجتماعی علمای مخالف حکومت که با منافع حکومت، مغایرت داشت، بی‌تفاوت باشد.

بند ۲- بعد از مشروطیت

کشور ایران قرن‌ها تحت سلطه استبداد پادشاهانی بود که مردم را رعایای خود می‌پنداشتند. آنان کشور را به عنوان ملک خود نگاه می‌کردند و برای هیچ کس حقوق و آزادی قائل نبودند گرچه در قرون پس از اسلام، در روابط خصوصی افراد، احکام و موازین اسلامی رعایت می‌شد ولی قدرت حاکمیت و سیاست کلی کشور از اسلام به دور بود و فعالیت‌های نظام حکومتی در خدمت مردم و در جهت خواسته‌های ملت سامان

<sup>۱</sup> سرجان ملکوم، تاریخ کامل ایران، مترجم میرزا اسماعیل حیرت، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴